ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
یک شنبه • ۲۰ دی ۱۳۹۴
۲۹ ربیع الاول ۱۴۳۷ • ۱۰ ژانویه ۲۰۱۶
۳۸۵

زندگی سلام

پرونده

نگاهی به پویش «من وارد حریم خصوصی دیگران نمی شوم»

سی دی رو بشکن، عکس رو حذف کن!

آذر صدارت - با جنجالی که این روزها بر سر انتشار و دست به دست شدنِ تصاویر شخصی و خصوصی یک بازیکن فوتبال در فضای مجازی به وجود آمد، تعداد زیادی از ستاره ها و چهره های شناخته شده دنیای ورزش و هنر، با راه اندازی پویشی اجتماعی، در حرکتی نمادین و هماهنگ، طرحی در صفحات اینستاگرامشان منتشر کردند با شعار: «من وارد حریم خصوصی دیگران نمی شوم.» یک طرح خودجوش به منظور بهبود شرایط اخلاقی شبکه های اجتماعی و استفاده صحیح از امکانات فضای مجازی و پایمال نکردن حق و حیثیت و آبروی آدم های عادی یا شناخته شده. موضوعی که از سال ها پیش، برای برخی ورزشکاران و هنرمندان دردسرساز بوده و در سال های اخیر، به شکل گسترده ای دامان همه اقشار جامعه به ویژه ستاره ها را گرفته است. اما واقعا چرا؟

● مردم کنجکاوند!

شاید اولین دلیلی که به ذهن برسد، «کنجکاوی مردم عادی درباره زندگی شخصی ستاره ها» است. مردم دوست دارند بدانند پشت این چهره و بازی و لبخند و موقعیت، چه جور آدمی با چه خانواده ای، ساکنِ چه خانه ای و با چه سبک زندگی و تفریحات و احیانا مشکلاتی نهفته است. در پاسخ به این نکته، باید گفت ممکن است در ذهن و دل هر آدم، درباره مسایل زیاد دیگری هم کشش و کنجکاوی وجود داشته باشد، اما آیا جایز و اخلاقی است که آدم ها، به بهانه کنجکاوی، به هر موضوع و مسئله ای سرک بکشند؟ پس تکلیف عقل و اختیار و انتخاب چه شد؟ پس ارزش هایی مثل پرده پوشی، آبروداری، پایمال نکردن حق الناس و عمل به دستور اهل بیت(ع) که فرمودند: «آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم نپسند.» کجا رفت؟

● ستاره ها مقصرند!

بله. متاسفانه تعدادی از چهره های شناخته شده، خودشان هم در ایجاد چرخه معیوب و ترسناکِ سرک کشیدن مردم به زندگی ستاره ها، مقصرند. وقتی برخی چهره ها بدون توجه به سبک زندگی ایرانی - اسلامی و شرایط اقتصادی عموم مردم جامعه، به بهانه های مختلف دست به انتشار مظاهر تجمل و زرق و برق های آن چنانی زندگی شان می زنند، کنجکاوی و میل به بیشتر دیدن و دانستن در مردم را به شکل غیرمستقیم تحریک می کنند. مگر چند نفر از آدم های معمولی جامعه، امکانِ نشستن پشت فرمان پورشه، امکان زندگی در ویلایی با معماری ژاپنی، امکان گذراندن تعطیلات در سواحل جزایر یونان یا امکان حضور در میهمانی های آن چنانی دارند؟ این گونه است که وقتی یک ستاره چنین عکس هایی از ابعاد زندگی اش را منتشر می کند، مردم تحریک می شوند تا لااقل اگر این امکانات را ندارند، از دور ببینند و به بقیه هم نشان دهند.

● شکاف طبقاتی

درست یا نادرست، فضای جامعه ما به شکلی شده که فاصله شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی ستاره ها از زندگی مردم عادی، به شکل تصاعدی عمیق و عمیق تر می شود. آدم های عادی جامعه که از پشتوانه مالی چندانی برخوردار نیستند و با وجود کار و تلاش و زحمت، سال هاست در خم کوچه یک ازدواج ساده یا یک سرپناه معمولی اند، می بینند یک جوان سی ساله با چند سال حضور در فضای فوتبال یا سینما، بهترین ها را در اختیار دارد. اینجاست که این فاصله نجومی، به یک خشم عمیق اجتماعی منجر می شود. خشمی که به هر نوع توهین به چهره ها و هر گونه سرک کشیدن و انتشار مسایل شخصی ستاره ها، مشروعیت می بخشد. با این توجیه که: «حقشونه!»

● چهره های فعال در این کمپین

تا امروز چهره های شناخته شده بسیاری به این کمپین پیوسته اند که هادی کاظمی، لیلا اوتادی، بیژن بنفشه‌خواه، داریوش فرضیایی، ماه‌چهره خلیلی، زیبا بروفه، برزو ارجمند، مریم امیرجلالی، سارا خوییني‌ها، الهام پاوه‌نژاد، زهرا اویسی و... از این جمله اند. پویشی که در تلاش است این فرهنگ و باور را جا بیندازد که: «من انتخاب می کنم و پیمان می بندم که تحت هیچ عنوان، نه به شوخی و نه به جدی، وارد حریم خصوصی دیگران نشوم و به انتشار «تهوع آور» عکس های خصوصی زندگی دیگران نپردازم!»

نگاهی به حیات وحش مهجور ایران به بهانه هفتمین روز سفر ابدی محمد علی اینانلو، مرد طبیعت

حیات وحش بی پناه مان در خطر انقراض

مریم ملی - عبارت محیط زیست یا طبیعت را که می شنوید بیشتر یاد چه چیزهایی می افتید؟ لابد تصاویر جنگل و دریا و رود در ذهنتان نقش می بندد. اما چیزهای مهم دیگری هم هست که در پس زمینه ذهنی شما دارند، زندگی خودشان را می کنند و این روزها حالشان زیاد خوب نیست. می شود گفت همسایه های بی سر و صدای ما در داخل مرزهای کشورمان هستند. گونه های مختلفی دارند اما شاید یوزپلنگ و ببر و گوزن را بیش از بقیه شان بشناسیم. تعدادی از این همسایه های ما فقط و فقط در ایران پیدا می شوند و از بین رفتن آن ها به معنای نابودی نسل شان در کره زمین است. حیواناتی که می توانند خیلی از گردشگران را برای دیدن شان در پارک های ملی حیات وحش به ایران بیاورند. حالا اما ورای تصویر ذهنی ما از طبیعت، ببر مازندران دیگر حتی وجود خارجی ندارد و یوزپلنگ مان هم روزهای سخت و خونینی را از سر می گذراند. تن گوزن های ما پر از گلوله است و آهوی ایرانی نفس های آخر را می کشد. تصاویر ذهنی ما شاید به اندازه واقعیت هایی که در گوشه گوشه طبیعت رخ می دهد به روز نباشد ولی حیات وحش مهجور ایران دارد از درون مرزهای کشورمان رخت بر می بندد و منقرض می شود. امروز به بهانه هفتمین روز درگذشت محمد علی اینانلو به این موضوع می پردازیم.

بررسی فعالیت های زیست محیطی محمد علی اینانلو

اینانلو بود، ایرانلو شد

حالا هفت روز است که محمد علی اینانلو از این دیار رخت بربسته است. صبح دوازدهم دی ماه در بیمارستان آتیه تهران بر اثر آنچه دکترها سکته قلبی اعلام کردند عازم آخرین سفرش شد. حالا هر جا می خواهند یادی از او کنند می گویند مردی که ۲ میلیون کیلومتر در طبیعت ایران سفر کرده است چیزی معادل ۵۰ بار گشتن به دور کره زمین. او همیشه در میان صحبت هایش می گفت که درست است ایران به لحاظ تاریخی جزو ۱۰ کشور برگزیده جهان است اما نباید از خاطر ببریم که طبیعت بی مانند و منحصر به فردش هم آن را جزو ۵ کشور برتر جهان به لحاظ طبیعی قرار داده است.

■ طبیعت ایران به روایت ایرانلو

مستند «با طبیعت» یکی از یادگاری های خوب او برای ماست. مستندی که اینانلو از سال ۷۴ ساخت آن را آغاز کرد. او از فرصتی که در اختیارش بود، به خوبی استفاده کرد تا برنامه های تاثیرگذار و الهام بخش درباره حیات وحش و طبیعت ایران برای تلویزیون بسازد. زنده یاد اینانلو در مستندهایش حرف تکراری نمی زد، «با طبیعت»، «ایران جهانی در یک مرز»، «طبیعت و طبیعت گردی در ایران» پر بود از تصاویر بدیع و حرف های جدید درباره گنج هایی که در کشور داریم و نمی شناسیمشان. او در مستند با طبیعت همه آنچه را ما از طبیعت و حیات وحش کشورمان نمی دانیم به خانه هایمان آورد. نکته قابل تامل این جاست که دقیقا زمانی که هنوز صدای مسئولان در اعلام خطر انقراض گونه های مختلف حیات وحش در نیامده بود اینانلو هشدارهای این قصه تلخ را در مستندهایش زمزمه می کرد. مستندهایی که با زبان خود مردم درباره دریاچه پریشان گفتند و از وضعیت ناگوار ارومیه حرف زدند، از بی پناهی یوزپلنگ ایرانی روایت کردند و خطرهایی را که پرندگان ساکن تالاب ها را تهدید می کند بر شمردند. نخستین قسمت های برنامه با طبیعت گفت و گو محور بود و بحث های چالشی طبیعت ایران را دنبال می کرد اما قسمت های بعدی کم کم همراه شدند با سفرهای مستندی که صدای گرم اینانلو روایت شان می کرد. مستند دیگرش با نام «ایران جهانی در یک مرز» که ۳۶۴ قسمت ۹۰ دقیقه ای بود و در خارج از کشور هم پخش شد مدام یادآوری می کرد که ایران جهان کوچکی است که هنوز نه تنها به خوبی شناسانده نشده بلکه حتی شناخته هم نشده است. حرف اینانلو این بود که اگر مردم و البته متولیان محیط زیست تلاش کنند می توانیم درآمدی مشابه نفت از طبیعت بی نظیر ایران داشته باشیم و با همکاری سازمان ملل مستندهایی را هم درباره پارک ملی گلستان، پارک ملی توران، پناهگاه حیات وحش خوش ییلاق و میانکاله ساخت که در نوع خودش بسیار ارزشمند بود.

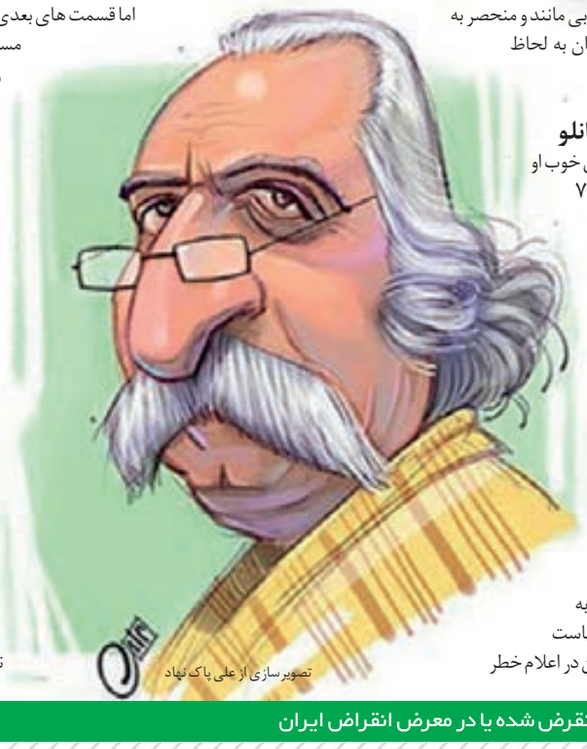
تصویرسازی از علی پاک نهاد

■ او راه خدمت به طبیعت را پیدا کرد

او در مصاحبه اش با سایت تبیان گفته است: «من بیشتر کشورهای دنیا را رفته ام از کشورهای آفریقایی گرفته تا آمریکا و کانادا و اروپا. ما طبیعت بسیار متنوعی داریم. این اصلا تعارف یا تبلیغ نیست. این کشورها با همه وسعتی که دارند اصلا تنوع اقلیمی و آب و هوایی ما را ندارند. ما جزو معدود کشورهایی هستیم در دنیا که در حدود ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع این همه تنوع اقلیمی و آب و هوایی داریم. ما کوهستان های عجیب داریم هم خانواده کوهستان های آلپ ، کوهستان هایی داریم هم خانواده هیمالیا، دشت داریم، کویر داریم، نمکزار داریم، دریا داریم، دریاچه داریم، جنگل و رودخانه داریم. همه چیزهایی که شاخه های هشتصدگانه اکوتوریسم را تشکیل می دهند شما در جغرافیای ایران می بینید. مدت ها از نظر مسئولان ما گردشگری در حوزه جاذبه های تاریخی بود و کسی در فکر طبیعت نبود. تمام مسئولان ما وقتی می خواستند از جاذبه های گردشگری حرفی بزنند، از جاذبه های تاریخی و باستانی صحبت می کردند. در اثر تلاش ها و پیگیری ها کم کم توجه مسئولان به این حوزه جلب شد. پیشنهاد من این بود که جوانان را برای این کار آموزش بدهیم.

کلاس هایی که تا این دوران تشکیل می شد در زمینه های تاریخی بود و این نیروها برای گردشگری تاریخی و فرهنگی آماده می شدند. با توجه به این مسائل پیشنهاد تشکیل کلاس های گردشگری طبیعت مورد موافقت قرار گرفت.»

و این طور شد که موسسه طبیعت از سال ۱۳۷۶ فعالیت خود را آغاز کرد و در فروردین ۱۳۷۷ با انتشار ماهنامه طبیعت با هدف "لزوم ترویج فرهنگ طبیعت" فعالیت خود را پی گرفت. ماهنامه طبیعت نشریه اطلاع رسانی پژوهشی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، گردشگری بود که صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر آن محمد علی اینانلو بود.

تعیین سال ۲۰۰۲ به عنوان سال جهانی اکوتوریسم از سوی سازمان ملل، محمد علی اینانلو را بر آن داشت تا با شناخت و احاطه ای که بر طبیعت و منابع طبیعی ایران داشت و همچنین توسعه گردشگری طبیعی و آسیب پذیری طبیعت به فکر جایی برای پرورش راهنمایان زبده در طبیعت بیفتد. بعد از تصویب طرحش از جانب سازمان ایرانگردی و جهانگردی، موسسه طبیعت در تیر ماه ۱۳۸۱ اولین دوره راهنمایان طبیعت گردی را برگزار کرد.

آشنایی با چند گونه جانوری منقرض شده یا در معرض انقراض ایران

زنگ خطر نابودی جانوران کشورمان هر روز بلند تر می شود

میترا تاتاری - تلخی داستان انقراض گونه های نادر جانوری ایران کمتر از داستان به یغما رفتن مجسمه های تخت جمشید و منشور کوروش و میراث باستانی مان نیست. در مورد آثار بی نظیر تاریخی، حداقل دلمان خوش است که هر چند دیگر در کشور ما نیستند اما در جای دیگری از دنیا، هنوز هم خودنمایی می کنند و مایه فخر و مباهاتمان هستند. اما از آخرین بازمانده ببر مازندران که تنها زیستگاهش جنگل های سر سبز شمال بود، تنها یک عکس سیاه و سفید به جای مانده است و دیگر در هیچ کجای دنیا نمی توان مشابه آن را پیدا کرد. قصه دردناک بسیاری از حیوانات کمیاب سرزمین مان این گونه تمام می شود: تنها، غرق در خون با گلوله ای در بدن. حیوانات ارزشمندی که وجود هر کدامشان برای فلات پهناور ایران مانند جواهری است، به راحتی قربانی شکارچیان بی رحم یا ناآگاهی مردم می شوند و داغشان بر دل دوست داران محیط زیست می ماند. طبق آمار رسمی وب سایت «موجودات در معرض انقراض زمین» یا earthendangered.com، حدود ۱۵۶ گونه جانوری در ایران در معرض نابودی هستند. این موارد که شامل حشرات، بندپایان و کرم ها هم می شود، نشان می دهد که زنگ خطر نابودی جانداران و زیست بومشان، خیلی وقت است که در ایران به صدا در آمده است.

■ شیر ایرانی، نماد قدرت ملی که به تاریخ پیوست

زیستگاه این حیوان، مناطق جنگلی، بوته زارها و علفزارهای نزدیک به آب واقع در نواحی جنوب زاگرس و خوزستان بوده است.

وضعیت فعلی: بر اساس سفرنامه‌ها تا حدود ۱۵۰ سال قبل، زیستگاه وسیعی از دزفول، مسجد سلیمان، شوش، رامهرمز تا بوشهر، کازرون و دشت ارژن و کام فیروز فارس داشته است. آخرین گزارش‌ها از شیر ایرانی مربوط به مشاهده یک ماده در سال ۱۹۴۱ در شمال دزفول است. احتمالا شکار بی‌رویه‌ای که اغلب توسط عشایر و افراد محلی انجام می گرفت و همچنین تخریب زیستگاه، سمی کردن لاشه جانوران شکار شده و کم شدن طعمه‌هایی مانند گوزن زرد باعث انقراض این حیوان شده است .

■ افسانه سوزناک ببر مازندران

در جنگل های مازندران نژادی از ببر که به نام ببر ایرانی شهرت دارد می زیست که امروزه به افسانه ای سوزناک مبدل گشته است. این گونه، درگذشته، در مناطق جنگلی دریای خزر از آستارا تا پارک ملی گلستان پراکنده بوده است.

وضعیت فعلی: آخرین ببر که در مازندران به آن شیر سرخ می گفتند در سال ۱۳۳۸، در جنگل گلستان در منطقه گرگان به دست یک شکارچی محلی کشته شد. از ببر مازندران تنها یک نقاشی رنگی و چند عکس و چند پوست به جا مانده است . شکار بی رویه، خشک کردن نیزارها و مرداب ها برای کشاورزی، باغداری و خانه سازی و از میان رفتن جنگل های جلگه ای سبب نابودی نسل ببر در ایران شده است.

■ یوزپلنگ ایرانی، آخرین بازمانده یوز آسیایی

یوزپلنگ ها سریع ترین پستانداران روی کره زمین هستند. تا اوایل قرن ۲۰ میلادی ، زیستگاه زیر گونه «یوزپلنگ آسیایی» در نواحی شمال آفریقا و برخی از کشورهای آسیایی بوده است.

وضعیت فعلی: اکنون تنها جمعیت یوزپلنگ آسیایی در ایران باقی مانده که به شدت رو به کاهش است و به یوزپلنگ ایرانی تغییر نام داده است. طبق تخمین های کارشناسان محیط زیست، احتمالا کمتر از ۶۰ قلاده یوز ایرانی در تمام ایران وجود داشته باشد. کشتن این حیوان توسط بومیان برای قاچاق آن و استفاده از پوستش برای لباس، از جمله دلایل انقراضش است. برای هر پالتو پوست زنانه، باید ۶ یوزپلنگ قربانی شود! کاهش امنیت زیستگاه های این حیوان، یکی از مهم ترین عوامل کاهش زاد و ولد یوزپلنگ هاست. یوزپلنگ در صورتی که احساس کند امنیتی ندارد، اقدام به زاد و ولد نخواهد کرد یا توله های خود را رها می کند.

■ «گربه شنی»، کوچک ترین گربه سان در معرض انقراض

پس از انقراض شیر ایرانی و ببر مازندران تعداد گربه سانان ایران از ۱۰ گونه به ۸ گونه (پلنگ، یوزپلنگ، کارکال، سیاهگوش، گربه شنی، گربه پالاس، گربه جنگلی و گربه وحشی) کاهش یافت. گربه شنی یکی از هشت گربه سان وحشی ایران و کوچک ترین آنها محسوب می شود که سازگاری منحصر به فردی با مناطق بیابانی به ویژه تپه زارهای ماسه ای دارد.

وضعیت فعلی: گربه شنی یکی از گونه های کمیاب و در معرض انقراض ایران است که به ندرت می توان آن را در طبیعت دید. در سال‌های بین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ تعدادی از این گربه در پارک ملی کویر، اطراف سمنان، نائین و در پناهگاه حیات‌وحش نایبندان مشاهده شد. زیستگاه‌های گربه شنی و اطلاعات مربوط به این گونه بسیار محدود است و آمار مستندی از جمعیت این گونه ارزشمند در دست نیست.

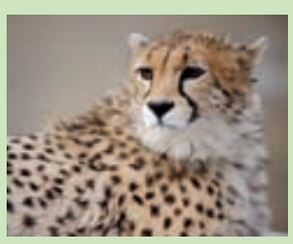

■ گوزن زرد ایرانی، زیر خط انقراض!

گوزن زرد ایرانی شاخ‌های بلند و پهن، ۱۵۰ تا ۲۴۰ سانتی‌متر بدن و ۱۶ تا ۲۰ سانتی‌متر دم دارد. مهم‌ترین دشمن طبیعی آن گرگ و گربه جنگلی است.

وضعیت فعلی: در سال ۹۲، تعداد ۱۲۷ رأس از این گوزن‌ها با همکاری مأموران و کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست از مناطق دشت ناز ، پناهگاه کرخه، زردلان کرمانشاه، جزیره کبودان، جزایر کیش و لاوان انتقال یافتند. اما در کمال تاسف، وضعیت این جاندار هم از سوی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، در خطر انقراض گزارش شده و با تهدید جدی مواجه است.

چه کاری از دست ما ساخته است؟

در شهریور ۷۳ یک یوزپلنگ ماده که به همراه سه توله اش برای خوردن آب به نزدیکی شهر بافق آمده بود مورد حمله افراد بومی قرار گرفت. یوز مادر زخمی شد و فرار کرد و دو توله زیر ضربات بیل و کلنگ تلف شد. شنیدن خبرهایی از این قبیل نشان می دهد که این سرمایه های ملی کشورمان، تنها در معرض گلوله های شکارچیان غیر قانونی نیستند. خیلی از آن ها قربانی اشتباهات ما می شوند. اما ما به نوبه خود، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟

بسیاری از این حیوانات، در جاده ها و در برخورد با خودرو جانشان را از دست می دهند. مناطق تحت قلمرو هر یک از آن ها با علایم خاصی در طول راه مشخص شده است. بنابراین اگر می خواهید در جاده ای کوهستانی یا کویری و دورافتاده سفر کنید، حتما حواستان به این حیوانات باشد. با سرعت بالا رانندگی نکنید و در شب حتما از نور کافی استفاده کنید. حتی کم شدن یک روباه، تعادل اکولوژیک زیست بومش را بر هم می زند و به دنبال آن حیوانات دیگری هم محکوم به مرگ می شوند. فاصله تان را از زیستگاه حیوانات وحشی، حفظ کنید. اگر حیوانی را دیدید، به هیچ وجه دنبالش نکنید و سعی نکنید وارد محل زندگی اش شوید. اگر حیوانی نزدیک شهر یا محل سکونت تان شد، تا وقتی که حمله نکرده است کاری انجام ندهید. این حیوانات وحشی، از محدوده شهری و آدم ها سخت گریزانند و خودشان خیلی سریع بدون این که به کسی آسیب بزنند، از محل دور می شوند. آلودگی صوتی در اطراف قلمرو این حیوانات، باعث ایجاد تنش و استرس در آن ها می شود و بیشتر شان در چنین شرایطی نمی توانند تولید مثل کنند. قلمرو بکر آن ها را برای خودشان نگه داریم و موجب آزارشان نشویم. پرندگان تالاب ها را هرگز شکار نکنیم. کشتن این پرندگان، خسارات و هزینه های بسیاری را به بار می آورد که هرگز جبران پذیر نیست. ضمن این که تعداد خیلی از گونه های آن به شدت رو به کاهش است. اگر هم آن ها را با جوجه هایشان دیدید، به هیچ وجه نزدیک شان نشوید حتی اگر قصدتان، فقط دیدن آن هاست.

محیط بان، برای مان بمان

مریم ملی - بی سر و صدا کارشان را می کنند. گمنام هستند و بدون حاشیه. آزارشان به هیچ کس نمی رسد. پناه حیواناتی هستند که ما وحشی می خوانیم شان. تنها وقتی با بی رحمی به دست شکارچیان غیر قانونی کشته می شوند یکی دو روزی نام شان را در روزنامه ها می خوانیم و به نشانه تاسف سری تکان می دهیم و باز فراموش می کنیم که هستند و بی ادعا برای زندگی آرام موجوداتی تلاش می کنند که ما حتی نامشان را نمی دانیم. محیط بانان کسانی هستند که تحت استخدام سازمان حفاظت محیط زیست به امور حفاظت و کنترل عرصه‌های طبیعی و حیات وحش کشور مشغولند. در حقیقت سه هزار محیط بان جور حفاظت از محیط زیست پهناور ایران را می کشند در حالی که طبق استاندارد جهانی باید از هر ۲ هزار هکتار عرصه خشکی و هر یک هزار هکتار عرصه تالابی، یک محیط بان حفاظت کند، یعنی گستره‌ای چون کشور ایران به ۱۱ هزار محیط بان نیاز دارد.